

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مبار
چو کشور نباشد تن من مبار
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سر تن به کشتني دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ابسي - فرهنگي

محمد اسحاق برکت
ویرجینیا - امریکا
۲۰۰۹ می ۲۱

بیائید پښتو بیاموزیم

او هم لوست

(درس هفتم)

په پښتو کي مفرد او جمع نومونه

برای تشریح درسهای پښتو نیز آن گونه که در دری معمول است، از اصطلاحات و کلمات عربی استفاده میشود. و راه دیگری سراغ نیست ، زیرا تا کنون بدیل این اصطلاحات و کلمات که اکنون جزء لسانهای ما شده اند، وضع نگردیده. اگر من بعد دانشمندان گرامی زبانهای ملی ما به چنین کاری دست می یازند و کلمات و اصطلاحاتی را وضع مینمایند که در آینده بدیل و جانشین آنها گردد و آنوقت همه مستفید گردیم فبها ، مگر تا (رسیدن تریاک از عراق) ما ازین کلمات و اصطلاحات استفاده خواهیم کرد.

یاد داشت:

برخی نوسنگان (اوه) یعنی هفت را بشكل (اوو) مینویسند و عدد ترتیبی آنرا هم (اووم)، تا کنون مرجعی یافت نشده که صحت یکی از آنها و یا هردو را تثبیت نماید، مگر این قلم شکل (اوه) و عدد ترتیبی آن (اوهم) را درست و موجه دانسته و آنرا بکار میبرد.

په پښتو کي نومونه د شمېر له رویه دوه ډوله دي :
مفرد او جمع

- مفرد یو شی یا یو نوم او جمع د هغو شیانو یا نومونو له یوه خخه زیاتو شیانو یا نومونوته وايي.
برای جمع بستن اسمهای مفرد از قواعد ذیل استفاده میشود:

۱ - د مذکر یا نارینو نومونو جمع جورول:

برای جمع بستن نامهای مذکر که البتہ منظور مفرد مذکراست، کدام قاعدة خاص وجود ندارد اما به اساس آنچه در زبان گفتاری به مشاهده میرسد از پسوندهای زیر استفاده میشود:

الف - پسوند (ونه) در حاليکه حرف آخر اسم ضمه و متعاقب آن واو معروف آيد:
ازين قاعده بيشتر برای جمع بندی اسمهای مذکور غیر ذيروح و برخی از اعضای بدن و ندرتاً
برای بعضی حیوانات نیز استفاده میشود اما به تأکید گفته میشود که این قاعده عمومیت نداشته،
قياسیست، به مثالهای ذیل توجه فرمائید:

کتابونه	- کتاب
سرکونه	- سرک
دبوالونه	- دبوال
رنگونه	- رنگ
حالونه	- حال
لاسونه	- لاس
زنگونونه یا زنگنونه	- زنگون
اور مېگونه	- اور مېگ

لندي
مرگوتی دومره خوانان یورل
له پره خیاله به یې کاره ورل اور میگونه

غورونه	- غور
پسونه (گوسفند و مؤنش مېره)	- پسنه
نسونه	- نس

ب - پسوند (ان):
ازين پسوند اکثراً برای نامهای جاندار استفاده میشود:

هلکان	- هلک
چرگان (خروس و موئث آن چرگه)	- چرک
لبوان یا لبوه کان	- لبوه
گیدران (روباه نر و موئث آن گیدره است)	- گیدر
میران یا مگان (موشهای صحرایی)	- میر یا مگ
مورکان (موش)	- مورک

ج - پسند (ي معروف):
تمام نامهائی که به یای (ملینه ی) ختم میشوند و حرف ماقبل آنها فتحه باشد، مذکر اند و جمع شان
به یای (معروف ي) صورت میگيرد

سری	- سری
وري (گوسفند چوچه و موئث آن وري است)	- وري
پرلی	- پرلی
زمري	- زمری
چرگوري یا چرگونی (چوچه مرغ)	- چرگوري یا چرگونی
پشونگوري (چوچه پشك)	- پشونگوري
سپی	- سپی
كونگری یا کوتری (سگ چوچه ، ڭچۈك)	- كونگری یا کوتری

د - نوري وروستاري (پسوند):

اکثر نامها مذکور بى قاعده جمع ميگرند و برای آنها کدام قاعده خاص موجود نیست مثل:

- نيكه	نيكه گان
- ورور	ورونه
- ماما	ماما گان
- تير بور	تير برونه (او در زاده)
- غوبان	غوبانيه (گاوجران و مؤنث آن غوبنه)
- شپون	شپانيه (چوپان و مؤنث آن شپنه)
- زوي	زمن يا زامن
- غرلغل	غرلغلان (جعل کارو غرلغلی، جعلکاري)
او دېته ورته دېر نور چي دم مهال د فلم خولي ته نه راخي.	ترینگزى يا ترینگزوی ترینگزى يا ترینگ زامن (پرسکاكا و مؤنث آن ترینگزى)

د دي لوست ياتي برخي که د خدای کره وو په اتمهم لوست يا درس کي وراندي سي. تر هغه
مهالله الله مومن اوښي چاري.